

سال دوم

جلسه ۶۹

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

شنبه ۹۰ / ۱۲ / ۶

سؤال دوم:

آیا اعتبارات عقلایی، باید دارای «اثر» باشند؟

سؤال دوم : آیا اعتبار عقلایی باید دارای «اثر» باشد؟

جواب

عموم کسانی که متعرض این بحث شده اند:  
«اعتبارات عقلایی» را مشروط به وجود اثر دانسته اند

مرحوم طباطبائی :

- چون اعتبار، استعاره ای است که با هدف ترتب آثار شیء حقیقی بر امر استعاره ای حاصل می شود:  
اعتبار جایی پدید می آید که آثار بار شود.
- این آثار باید با آثار شیء حقیقی مناسب باشد

حضرت امام :

اعتبارات عقلاء برای احتیاجات آن هاست و آنچه از آن فائده ای حاصل نمی شود، اعتبار نمی شود.  
لذا : اعتبار ازدواج بین دو درخت، پدید نمی آید تا بگوییم «فاسد» است = اصلاً مسخره است.  
همچنین مبادله بین یک مقدار آب دریا با مقداری دیگر از آن، بیع نیست = این مبادله اعتبار نمی شود.

سؤال دوم : آیا اعتبار عقلایی باید دارای «اثر» باشد؟

اساس اعتبار بر «نیاز» است و کار بدون غرض انجام نمی گیرد، چراکه محتاج علت غایی است.

شهید خمینی

گاه علت غایی، امری عقلایی نیست = اعتبارات «وهمی»

گاه علت غایی، امری عقلایی است :

- گاه غرض، تأثیر گذاری «احساسی» است = اعتبارات «ادبی»

- گاه غرض، رسیدن به آثاری است که با پذیرش جامعه عقلاء، حاصل می شود = اعتبار «عقلایی»

پیدایش اعتبار عقلایی، ابتدا توسط یک معتبر است (اعتبار عقلایی انشائی)

و بعد توسط جامعه عقلاء پذیرفته می شود (اعتبار عقلایی حقیقی)

حال : اگر در جایی می دانیم علت غایی مترتب نمی شود، طبیعی است که کسی اعتبار نمی کند

سؤال سوم:

آیا اعتبارات عقلایی، «عمومی» است؟

سؤال سوم : آیا اعتبار عقلایی، «عمومی» است؟

حضرت امام معتقدند که:

امر اعتباری، امری عمومی است که همه کسانی که با آن اعتبار، سر و کار دارند آن را بپذیرند

حضرت امام

در جعل اصل یک اعتبار = باید کسی سمت قانون گذاری دارد، این اعتبار را جعل کند  
در جعل اعتبارات جزئیة = اگر مطابق با «قانون پذیرفته شده» باشد، توسط جامعه پذیرفته می شود

لازم نیست جامعه عقلاء، همه از این اعتبار، مطلع شوند

بلکه : اگر به گونه ای باشد که اگر مطلع شوند قبول کنند، کافی است

سؤال سوم : آیا اعتبار عقلایی، «عمومی» است؟

بدون اعتبار عقلاء، ملکیت و زوجیت ..، هیچ حقیقتی ندارند

مراد آن نیست که : عقلاء باید از تک تک عقود، مطلع شوند و آن را بپذیرند  
بلکه مراد آن است : که اگر آن عقد را به عقلاء عرضه نمایند آنها بپذیرند

پس می توانید بگویید :

در اعتبار عقلایی، کافی است عقلاء به صورت «بالفعل ارتکازی» از آن مطلع باشند و آن را بپذیرند

کلام  
حضرت امام  
در کتاب  
البيع

در اعتبارات «عقلایی حقیقی» :

لازم است عقلاء اصل اعتبار را پذیرفته باشند

+ باید عقلاء از این امر - اصل اعتبار - بالتفصیل و بالفعل، مطلع باشند و آن را پذیرفته باشند

اما اینکه لازم است عقلاء از مصادیق این اصل [بیع زید] مطلع باشند، صحیح نیست.

بلکه عقلایی بودن این اعتبار جزئی، به این است که مطابق با اصل پذیرفته شده عقلایی باشد

از دیدگاه امام، اعتبار عقلایی حقیقی، آن است که :

اصل آن عمومیت داشته باشد و جزئیات آن نیز، شأنیت عمومیت داشته باشد

به خلاف اعتبارات عقلایی انشائی و اعتبارات شخصی، که لازم نیست عمومیت داشته باشد

سؤال چهارم:

اعتبارات عقلایی «کجا» تحقق می یابد؟

سؤال چهارم : اعتبار عقلایی، «کجا» است؟

اعتبارات عقلایی، در ذهن انسان موجود هستند  
ولی این وجود ذهنی، باعث می شود که موجودات خارجی را متصف به آن ها کنیم.

یعنی آنچه واقعاً مالک و مملوک است، موجود ذهنی نیست  
بلکه انسان خارجی و کتاب خارجی [مثلاً] مالک و مملوک هستند ولی وجود اعتبار در ذهن است

لازم نیست جامعه عقلاء، همه از این اعتبار، مطلع شوند  
بلکه : اگر به گونه ای باشد که اگر مطلع شوند قبول کنند، کافی است

حضرت امام